

یکشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۵ • سال چهاردهم • شماره ۲۶۷۹ • ۹

# شرق روزنامه

نگاه

#### توهم اردوغان را کسی جدی نگرفت

اردشیر زارعی قنواتی: ورود نیروهای نظامی ترکیه به خاک سوریه در روز چهارشنبه سوم آگوست به بهانه مبارزه با تروریسم و پاک‌سازی شهر «جرابلس» از وجود داعش، از همان ابتدا نشان می‌داد دولت آنکارا اهداف مهم‌تری را دنبال می‌کند. ظاهرا بهانه این‌بار ترکیه از زبان «بن‌علی بیلدیرم»، نخست‌وزیر این کشور، حفظ امنیت شهرهای مرزی ترکیه به دلیل اصابت چند خمپاره از آن سوی مرز به شهر ترکی «قرقمیش» و دستور تخلیه این شهر بوده است. مقامات دولت آنکارا در اطلاعیه‌ای رسمی در همان روز حمله به خاک سوریه، اعلان کردند: «هدف از این عملیات پاک‌سازی مرز ترکیه از گروه‌های تروریستی، کمک به ایجاد امنیت در منطقه مرزی و حمایت از تمامیت ارضی سوریه است». هم‌زمانی این عملیات با پیشروی نیروهای کرد یگان‌های مدافع خلق که بعد از تصرف شهر استراتژیک «منبج» به طرف جرابلس در حال حرکت بودند، در همان ابتدا همه نگاه‌ها را متوجه اهداف دولت «رجب طیب اردوغان» برای مهار نیروهای کرد سوری و ممانعت از پیوسته سه کانتون «جزیره، کوبانی وعفرین» کرد. از طرف دیگر، رهبران کرد روزاوا که تحت حمایت ائتلاف به رهبری آمریکا در حال پیشروی بودند غافل از مناسبات ژئوپلیتیک در رقابت‌های بین‌المللی و اهداف قدرت‌های منطقه‌ای، بیش‌ازپیش با اتکا به مشارکت با واشنگتن اهداف کنفدرالیسم روزاوا را آسان فرض کرده و وارد بازی در زمینه‌ای شدند که ناخرسندی و دشمنی رقبای بزرگی را فراهم کرده بودند. نقض اصول اولیه انقلاب روزاواای حول استقلال عمل و همسویی بیش از حد رهبران کرد سوری با طرح‌های آمریکا به‌ویژه «طرح بی» واشنگتن، در شرایطی که آنان در تضاد با استراتژی محور آلترناتیوی روسیه و دولت دمشق عملا وارد بازی بزرگ شده بودند، چیزی نبود که از طرف دیگران نادیده گرفته شود. درگیری یگان‌های مدافع خلق با نیروهای ارتش سوریه در شهر «حسکه» که با بیرون‌راندن این نیروها موفق به دردت‌گرفتن کنترل کامل این شهر شدند، شاید، همان جرقه‌ای بود که انبار باروت را شعله‌ور کرد. این تحولات در حالی رخ می‌داد که هم‌زمان با عذرخواهی رسمی رجب طیب اردوغان از روسیه به دلیل سرنگونی جنگنده سوخو ۲۴ این کشور که موجب بروز جنگ سرد بین مسکو – آنکارا شده بود، در شرایط جدید موجبات رفع کدورت‌ها و حتی تعمیق روابط این دو قدرت را فراهم کرده بود. سوریه صحنه شرط‌چ بازی‌های بزرگ جهانی، منطقه و ملی است و هر نیرویی که این واقعیت عینی را به‌درستی درک نکند، دچار آسیب‌های جدی خواهد شد. چنانچه در حادثه حمله به جنگنده روسی به وسیله ترکیه، شخصیت متوهم اردوغان که فکر می‌کرد با تشدید تضاد با مسکو می‌تواند پای پیمان «ناتو» را به نفع خود به بازی باز کند، در یک اشتباه محاسبه متوجه شد این بازی بزرگ‌تر از آن است که امنیت جهانی و مناسبات بین‌المللی به دلیل تملیلات یک رهبر منطقه‌ای دچار اختلال استراتژیک شود. حرکت یک مهره اشتباه در این شطرنج خوین از طرف اردوغان تنها دستاوردی که برای وی به همراه داشت یک انزوی ویرانگر بود که بعدها فقط با عذرخواهی از «ولادیمیر پوتین» در نشست سن‌پترزبورگ جبران شد. اما رهبران روزاوا از این تجربه نه‌فقط نتوانستند به نفع اهداف خود استفاده کنند که حتی با درس‌نگرفتن از آن، خود نیز به بیراهه رفتند که قیلا رقیب منطقه‌ای آنان رفته بود. تغییر نقش ترکیه در بحران سوریه و هم‌زمان توهم رهبران روزاوا در همسویی با آمریکا نیز چیزی نبود که از دید روسیه به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگر بین‌المللی، ایران به‌عنوان قدرت منطقه و دولت «بنشار اسد» در قامت اصلی‌ترین بازیگر ملی دور بماند. به‌همین‌دلیل با تغییر نقش ترکیه و اشتباه محاسبه رهبران کرد، زمینه و بستر لازم برای ورود نیروهای نظامی آنکارا به درون خاک سوریه فراهم شد. هرچند مسکو، تهران و دمشق رسماً نسبت به این موضوع اعتراض کردند. در شرایط کنونی نیز همه بازیگران درگیر در بحران سوریه چنانچه تابع قوانین و معادلات بازی بزرگ نباشند و از خطوط قرمز تعیین‌شده فراتر روند، نه‌فقط حاصلی را برداشت نخواهند کرد که حتی امکان فروفتن در باتلاق بازی آنان را هم به همراه خواهد داشت. در بحران سوریه بازی حول انطباق مافع بازیگران در وضعیت عینی میدان ترد تعین می‌شود و هرگونه عدول از این اصل بنیادین می‌تواند متحد امروز را به دشمن فردا تبدیل کند. نشست سران «گروه ۲۰» در چین فرصتی را برای رهبران بزرگ جهانی و منطقه فراهم کرد تا حول بحران سوریه مذاکراتی فشرده – واشنگتن مانع از توافق دیرتر حاصل‌فصل بحران سوریه بود. در چنین شرایطی رجب طیب اردوغان باره به یک قمار جدید زد که در صورت عزم او برای بازی با این کارت، می‌تواند بسیاری از معادلات را دوباره تغییر دهد. اردوغان در دیدار با «باراک اوباما» و ولادیمیر پوتین، رهبران آمریکا و روسیه، طرح خود را برای ایجاد منطقه امن و پرواز ممنوع در مناطق تحت تصرف ارتش این کشور در خاک سوریه پیشنهاد داد. ظاهرا اردوغان به دوباره به یک فراموش‌کاری این کشور در انتخاب بین دوگانه ترکیه و روزاوا، به دولت دمشق اتکای بیش از اندازه‌ای روی نیروی هوایی و نقش حملات جنگنده‌های خود برای سرکوب گروه‌های مخالف و تروریست باز کرده‌اند، انگشت در لانه افعی کرده است. اردوغان باید این را درک کند اگر امروز با اغماض روسیه و دمشق، ارتش این کشور در نوار مرزی و خاک سوریه جولان می‌دهد، به‌دلیل آن است که این بازیگران برای برهم‌زدن بازی آمریکا و اجپم‌کردن این کشور در انتخاب بین دوگانه ترکیه و روزاوا، به نقش آنکارا در این‌بار نیاز دارند. چنانچه اگر همین امروز رهبران کرد سوریه با تغییر در سیاست و راهبردهای خود همچون قبل به مسکو و دمشق نزدیک شوند، موازنه‌های کنونی تغییر کرده و آنان افسار اسب ریمده ترکی را خواهند کشید. تحت هیچ شرایطی روسیه و سوریه حتی بحث منطقه پیرواز ممنوع را تحمل نخواهند کرد، چراکه گروه‌های تروریستی و مخالفان این کشور در انتخاب بین دوگانه ترکیه و روزاوا، به هوایی برخوردار نبوده و این پیشنهاد درواقع نقض حاکمیت ملی سوریه و جلوگیری از پرواز نیروی هوایی دمشق و مسکو در آسمان بخشی از این کشور مفهوم عینی می‌یابد. درحالی‌که تمام آسمان سوریه امروز مستقیم و غیرمستقیم تحت کنترل هوایی روسیه است، هیچ نیرویی قادر به پاک‌سازی یک منطقه پرواز ممنوع بدون اجازه روسیه نیست، تا زمانی که چنگ در سوریه ادامه دارد، مسکو و دمشق اجازه سوختن برگ‌برنده در آس بزرگ بازی خود را نخواهند داد. منطقه امن و حتی امکان منطقه پرواز ممنوع فقط در صورتی امکان‌پذیر است که تحت مکانیسم پذیرش یک طرح صلح، روی مصالحه ملی و برقرار آتش‌بس سراسری توافق و زیر نظر سازمان ملل متحد با مشارکت آلترناتیوی روسیه انجام شود؛ در غیراین‌صورت اردوغان با آتش بازی می‌کند.

یادداشت

#### رشد «پ‌ک‌ک» در عراق

برای دومین سال متوالی، حزب کارگران کردستان ترکیه (پ‌ک‌ک)، به گسترش نفوذ شاخه‌های نظامی خود در داخل خاک عراق ادامه می‌دهد. برخی از گروه‌های وابسته به این حزب تنها صد کیلومتر با بغداد فاصله دارند حال آنکه دولت عراق به حضور این گروه‌ها در کشور و سیطره آنها بر چندین شهرک و دستیابی به حمایت‌هایی از سوی شبه‌نظامیان حشد شعبی هیچ توجهی ندارد. نفوذ روزافزون این حزب در داخل عراق، با عضویتی از گُردهای عراق و فعالیت‌های نظامی دیگر همراه است. گزارش‌های اخیر به وجود کارگاه‌های ساخت سلاح در عراق که تحت اداره این حزب است و از آن برای انجام حملات در ترکیه استفاده می‌شود، اشاره دارد. اعضا و رهبران این حزب روابط مستحکمی با برخی از مقامات عراقی دارند.به گفته مسئولان امنیتی عراقی، این حزب از اوایل ژوئن گذشته حضور خود را در مناطق سنجار و ربیعہ در استان نینوا و مناطق شمال غربی کرکوک و شهرستان طوزخورماتو در استان صلاح‌الدین تقویت کرده است. به گفته این منابع، پ‌ک‌ک در داخل این شهرها ۳۸ مقر نظامی و دفتر عضوگیری و سالن برگزاری کنفرانس دارد و از ده‌ها منزل خانواده‌های عراقی به‌عنوان خوابگاه و استراحتگاه استفاده می‌کند. یکی از مسئولان نظامی عراقی در این‌باره گفت: در مناطقی که اعضای این حزب در آنجا حضور دارند، ارتش وارد نشده است و تنها شبه‌نظامیان وارد آن می‌شوند. حتی پیشمرگه‌ها هم برای ممانعت از وقوع درگیری مسلحانه ممنعند.



می‌شوند. حتی پیشمرگه‌ها هم برای ممانعت از وقوع درگیری مسلحانه ممنعند. درگیری‌های سپتامبر ۲۰۱۵ کوه‌های قندیل، از ورود به این مناطق خودداری می‌کنند. کامران حسن کردی، یکی از افراد سرشناس در طوزخورماتو، گفت: اعضای پ‌ک‌ک اخیراً بروشورهایی را پخش کردند که همان‌طور که مصر می‌خواهد از توانمندی‌های لبنان بهره‌برد. تعداد زیادی از شهروندان لبنانی نیز در آفریقا هستند و به اعتقاد من مصر می‌تواند در این زمینه با ما همکاری خوبی داشته باشد. اساسا مصر نقطه شروع بسیاری از کارهای ما در قاره آفریقااست.



جبران باسیل، وزیر خارجه لبنان:

# هر جا تکثر گرایی نباشد، تفکر داعشی جای آن را می‌گیرد

عکس آن چیزی است که داعش می‌گوید. اگر ما جامعه‌ای تکثرگرا مثل جامعه لبنان نداشته باشیم، داعش جانشین آن خواهد بود. این مفهوم درباره همه شرق و غرب صدق می‌کند. چون غرب هم از تسری پدیده داعش در امان نیست. دلیل آن هم این است که فکر داعش در آنجا هم پخش شده است. در کشورهای اروپایی هم این فکر مشاهده می‌شود. جاهایی هست که محل رشد و شکل‌گیری گروه‌های افراطی شده است. متأسفانه موج پناهندگان هم به این امر دامن زد. یک گزارش رسمی از سوی سازمان اطلاعات آلمان منتشر شد که نشان می‌داد، گروه‌های افراطی سعی می‌کنند از بین پناهندگان سربازگیری کنند.

**✎ درباره خلأ ریاست‌جمهوری در لبنان چه می‌گویید؟**

لبنانی‌ها می‌توانند با دست‌یافتن به یک راه‌حل دائم و نه مانند راه‌حل‌های موقتی گذشته، از این مسئله رهایی پیدا کنند. این خلأ باید پر شود؛ اما بدون مشارکت واقعی همه مردم لبنان ممکن نیست. این مردم لبنان هستند که باید نمایندگان و رئیس‌جمهور خودشان را انتخاب کنند تا نماینده ملی و قانونی خودشان باشد.

**✎ رابطه لبنان با کشورهای حوزه خلیج فارس چگونه است؟ چگونه می‌شود از برخی نکات منفی این رابطه جلوگیری کرد؟**

در منطقه یک نزاع مذهبی در جریان است. در لبنان فرقه‌ها همه حضوری برابر دارند و حتی نهادهای حکومتی هم بین شیعیان و اهل سنت تقسیم شده است. اختلاف بین کشورهای عضو شورای همکاری و ایران متأسفانه بر روابط ما هم اثر گذاشته است؛ چون هرکسی سعی می‌کند لبنان را به طرف خودش بکشد. تا زمانی که این وضعیت وجود دارد، لبنان باید تاوان آن را بدهد. درهین حال شرایطی وجود دارد که می‌شود طرف‌ها را تشویق کرد تا از این منازعات کاسته و بیشتر به همکاری روی آورند. حتی لبنان می‌تواند نقش مهمی در این میان داشته باشد؛ البته به شرط اینکه قوی باشد و این نیازمند یک اصلاح داخلی در درون کشور است. شورای همکاری باید وضعیت لبنان را درک کند. کم‌اینکه باید خیلی از لبنانی‌ها بفهمند نباید در این مشکلات دخالت کرده یا خودشان را درگیر این منازعات کنند. از نظر رسمی باید گفت خیلی فعالیتی به چشم نمی‌خورد. البته مصر می‌تواند کمک کند که برخی از این مشکلات را از سر راه برداریم. مسئله مبارزه با تروریسم محور مشترکی است که همه کشورهای منطقه می‌توانند کرد آن جمع شوند.

**✎ رابطه لبنان و مصر را چگونه ببیند؟**

در سطح سیاسی و روابط دوجانبه، دو طرف سعی می‌کنند این رابطه را تقویت کنند. هر دو کشور درباره مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی اشتراکات زیادی دارند. از نظر اقتصادی نیز ما می‌گویسیم روابطمان را گسترش دهیم؛ به‌ویژه در بخش‌های صنعتی، انرژی و کشاورزی. لبنانی‌ها می‌خواهند از بازار مصر استفاده کنند، همان‌طور که مصر می‌خواهد از توانمندی‌های لبنان بهره‌برد. تعداد زیادی از شهروندان لبنانی نیز در آفریقا هستند و به اعتقاد من مصر می‌تواند در این زمینه با ما همکاری خوبی داشته باشد. اساسا مصر نقطه شروع بسیاری از کارهای ما در قاره آفریقااست.

منبع:الاهرام

ما از جامعه بین‌المللی ناراضی هستیم. از لحاظ اصولی، رویکرد جامعه بین‌الملل به‌گونه‌ای است که گویی قصد دارد سوری‌ها را در همان کشوری که هستند نگه دارند. چون برگرداندن آنها کار دشواری است. فرستادن آنها به سایر دولت‌ها در غرب هم مسئله‌ای مشکل و پرهزینه است. ازاین‌رو جامعه بین‌الملل سعی می‌کند آنها را همان جایی که هستند نگه دارد. درباره اردن این مسئله دیگر به جایی رسیده که این کشور به کشور آوارگان تبدیل شده است. برای ترکیه اما مسئله متفاوت است، چون مساحت زیادی دارد و اصلا با لبنان قابل‌قیاس نیست. در لبنان مسئله اسکان و ادغام به لحاظ قانونی کاملا ممنوع است. در لبنان هیچ توجیهی برای این وجود ندارد. به‌هرحال ما از جامعه بین‌الملل ناراضی هستیم. لبنان کشور کوچکی است و امکانات و توانایی‌های محدودی دارد. مساحت کم این کشور اجازه نمی‌دهد که پناهندگان زیادی را در خود جای دهد. خود لبنان کشوری است که شهروندانش به جاهای دیگر مهاجرت می‌کنند!

**✎ کمک‌های جامعه بین‌المللی چگونه در اختیار پناهندگان قرار می‌گیرد؟**

این کمک‌ها به صورت مستقیم در اختیار آنها قرار می‌گیرد و خود نهادهای بین‌المللی بر آنها نظارت دارند. همین مسئله است که پناه‌جویان بیشتری را تشویق می‌کند به لبنان پناهنده شوند. چون در اینجا سیاسی نیست که آنها را مجبور کند به کشورشان برگردند. درعین‌حال هیچ سیاست واقع‌گرایانه‌ای برای کمک به مردم لبنان و نهادهای سیاسی یا بخش‌های اقتصادی این کشور وجود ندارد. بعد از چند سال هنوز ما نتوانسته‌ایم در سیمینارها و کنفرانس‌هایی که برگزار می‌شود، هیچ پولی برای خود لبنان به دست آوریم تا این کشور بتواند پذیرای آوارگان باشد. ما هنوز نتوانسته‌ایم این نظر را هم در کنیم که در خارج اعتقاد دارند از پناه‌جویان به‌عنوان یک برگه سیاسی برای بازی‌های سیاسی استفاده می‌شود. به جای این حرف‌ها، هر طرف باید به سهم خود فشار آورد تا بحران سوریه به سمت یک راه‌حل نهایی برود. هزینه همه اینها را باید لبنان بپردازد. آن‌هم بدون کمک‌های بین‌المللی. آن چیزی که در لبنان جریان دارد مثل زخمی است که این‌قدر خون‌ریزی می‌کند تا از هم بیاشد.

**✎ لبنان در مقابل تروریسمی که تمام منطقه را گرفته است چه می‌کند؟**

لبنان با همه وجود با تروریسم مقابله می‌کند؛ با گوشت و پوست و ارتش و ملتش. همه تلاش ما این است که تروریسم به لبنان رخنه و گوشه‌ای از خاک کشور ما را اشغال نکند. ما یک جامعه کاملی داریم که همه یک‌صدا تروریسم را رد می‌کنند. اساسا لبنانی‌ها فرهنگشان طوری است که با افراط‌گرایی منافات دارد. بااین‌حال من فکر می‌کنم جز از راه مقابله با فکر داعش، نمی‌توان از شر این گروه خلاص شد. البته می‌توانیم به لحاظ نظامی و سیاسی این گروه را محاصره یا متوقف کنیم. هرچند همین امر هم تاکنون تحقق پیدا نکرده است و هنوز از این گروه حمایت مالی و تسلیحاتی می‌شود. مسئله مهم‌تر اما فکر داعش است. تفکری که مبتنی بر هرج‌ومرج و یکجانبه‌گرایی است. داعش هرج‌ومرج را دامن می‌زند تا به جای تکثرگرایی، یک‌روی خودش را جا بیندازد. می‌خواهد در آخر تنها یک تفکر بماند، تفکر خودش. حال‌آنکه برای مثال لبنان برعکس این است. لبنان اساسا بر مبانی تنوع و تکثر زندگی می‌کند و همه گروه‌ها احترام همدیگر را دارند. الگوی لبنان برای همه کشورهای خاورمیانه اهمیت دارد، زیرا این الگو

## تقابل دیپلماسی و جنگ در یمن

محسوب می‌شود. در پی تشکیل این شورای عالی سیاسی و تصمیماتش برای اداره کشور، دولت مستعفی یمن احساس خطر کرد. درواقع این تحول، دولت مستعفی یمن را به چالش کشیده و متحدانش را به تکاپو واداشت تا مانع از پیشبرد اهداف این شورا و تسلط انصارالله بر یمن شود که از نظر عربستان و آمریکا تسلط انصارالله بر یمن خطری برای منافع آنها در منطقه است چراکه محور مقاومت و در رأس آن ایران و حزب‌الله تقویت خواهند شد و آنها از این مسئله هراس دارند. ازاین‌رو اسماعیل ولد الشیخ احمد، فرستاده این سازمان به یمن، سعی دارد به توصیه آمریکا دور جدیدی از مذاکرات را از سر بگیرد. جان کری، وزیر خارجه آمریکا، در دیداری با هم‌پیمانان عرب و انگلیسی‌اش برای توقف پیشرفت‌های انصارالله و هم‌پیمانش نسخه‌ای برای یمن پیچیده که چندان هم با طرح قبلی ارائه‌شده از سوی فرستاده سازمان ملل به یمن تفاوتی ندارد. در این نشست توافق شد رویکرد جدیدی در مذاکرات صلح یمن دنبال شود. فرستاده سازمان ملل در جده نیز در جریان طرح آمریکا درباره یمن قرار گرفت. در طرح کری که درواقع سعی کرده همان خواسته دولت مستعفی و هم‌پیمانان عربش را تحقق ببخشد، از انصارالله خواسته شده دست از کلوله‌باران مرزهای عربستان بردارد، از صنعا عقب‌نشینی کرده و در دولت متحد ملی با متخاصمان داخلی مشارکت کند؛

«جبران باسیل»، وزیر خارجه لبنان، می‌گوید کشورش در مرکز خطر تروریسم قرار دارد و همواره تلاش می‌کند اجازه ندهد تروریست‌ها به لبنان رخنه کنند. به گفته او، برای غرب گسترش پدیده‌ای به نام داعش اهمیتی ندارد و بر این باور است، این تشکل را نمی‌توان جز از طریق اندیشه شکست داد. باسیل رابطه لبنان و ایران را ممتاز می‌داند و از بی‌توجهی جامعه بین الملل نسبت به میزبانی این کشور از هزاران آواره سوری گلایه‌مند است.

**✎ به نظر شما روابط لبنان و ایران چگونه است؟**

بین ایران و لبنان روابط ممتازی وجود دارد که بخشی از آن به دلیل حضور شیعیان در لبنان است. آنها روز قابل‌توجهی دارند و بخشی از نهادهای حکومتی در دست آنهاست. بخشی از آنها از مقاومت دفاع می‌کنند و جلو اسرائیل را گرفته‌اند تا به کشور ما تجاوز نکنند. ما در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ توانستیم یک نوع توازن قوا بین لبنان و اسرائیل به وجود آوریم. ایران در این راه کمک زیادی به ما کرده است، اما نقش ایران باید در چارچوب حفظ لبنان و وحدت ارضی این کشور باشد. درحال حاضر لبنان باید هم در مقابل اسرائیل و هم در مقابل تروریسم ایستادگی کند.

**✎ بحران سوریه به شکلی مستقیم بر تحولات داخلی و حتی روابط خارجی لبنان اثر گذاشته است. شما به این بحران چگونه می‌نگرید و آیا در این‌باره پیشنهاد مشخصی دارید؟**

بحران سوریه از سال ۲۰۱۱ شروع شد، اما این تحولات خارج از تلاش‌های سابق به منظور به‌زاندور آوردن سوریه و شکست مقاومت در برابر اسرائیل نبود. آنهایی که در سال ۲۰۰۶ شکست خورده بودند، در سال ۲۰۱۱ موفق شدند و دلیل عمده آن هم مسائل داخلی بود؛ مثل فقدان یک اصلاحات سیاسی کافی یا رشد دموکراسی برای مردم سوریه. همین‌ها موجب شد تا دولت‌های خارجی از آنها استفاده کنند و ما را به این وضعیت برسانند. علت آسیب‌پذیری ما این بود که نتوانستیم یک نظام سکولار و یک دولت شهروندی داشته باشیم که در آن همه فرقه‌ها و مذاهب در کنار همدیگر در صلح زندگی کنند. این ضررها جز با ایجاد یک دولت شهروندی که در آن حرف اول را ملت سوریه بزند، قابل‌جبران نخواهد بود. این نخستین اولویت است. باید به مردم حق مشارکت در امور خودشان داده شود. این راه‌حل را همه می‌دانند. اعم از مخالفان و حتی دولت، همه باید بپذیرند که جز این راه‌حلی وجود ندارد. مداممی که سوریه دچار آسیب شود، لبنان هم متضرر خواهد شد و مجبور است پیامدهای این بحران را متحمل شود. چه‌موقع ما لبنانی‌ها و سوری‌ها می‌خواهیم این مسئله را، چه در سطح نظام یا مردم بفهمیم که استمرار این وضعیت به ضرر همه است. بنابراین بهتر است به این جنگ خاتمه داده شود و ما وارد مرحله یک راه‌حل سیاسی عادلانه و منطقی شویم. در این صورت به‌نفع لبنان هم خواهد بود. اینکه بگوییم هم‌زیستی به‌تنهایی کافی نیست. باید این مسئله توأم با اطمینان سیاسی برای همه اقلیت‌ها باشد و نقش و حجم و مشارکت فعال آنها را در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی تضمین کند.

**✎ آیا شما از حمایت‌های جامعه بین‌الملل از لبنان به‌خصوص در مسئله پناه‌جویان راضی هستید؟ در این رابطه چه خواسته‌هایی دارید؟**

منبع:خبرگزاری فارس

درحالی‌که همه نگاه‌ها متوجه بحران سوریه است و دو قدرت جهانی، یعنی آمریکا و روسیه برای تحقق آتش‌بس در سوریه تلاش می‌کنند، کشور دیگری در منطقه شاهد جنگی است که خطر آن کمتر از جنگ سوریه نیست. اوضاع «یمن» در حال تبدیل‌شدن به جنگی منطقه‌ای است که بار انسانی و مالی جبران‌ناپذیری را به‌همراه دارد. حال آمریکا با طرحی که به «طرح کری» معروف شده، وارد جالش یمن شده تا کاری از پیش ببرد. فرستاده سازمان ملل هم در این راستا این‌بار مأمور شده طرح آمریکا را با طرف‌های مربوطه در میان بگذارد تا شاید مذاکرات صلح دوباره از سر گرفته شوند.بعد از گذشت ۱۸ ماه از جنگ یمن، آخرین آمار رسمی سازمان ملل نشان می‌دهد که تعداد کشته‌های جنگ یمن تاکنون به بیش از ۱۰ هزار نفر و تعداد زخمی‌ها حدودا به ۳۰ هزار نفر رسیده است؛ درحالی‌که این جنگ سه میلیون آواره هم به‌جا گذاشته است. دراین‌میان نمی‌توان وضعیت بفرنج هفت میلیون نفری را که به علت قطعی ناشی از محاصره از سوئتفدیه رنج می‌برند، نادیده گرفت. حال اگر میزان خسارت به زیرساخت‌ها و آثار تاریخی این کشور را هم به این فاجع اضافه کنیم، همه‌چیز حکایت از یک تراژدی واقعی دارد.

در پی شکست مذاکرات یمن در کویت در ماه آگوست؛ یعنی سه ماه بعد از شروع این مذاکرات، انصارالله و حزب کنگره سراسری یمن، وابسته به علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور سابق یمن، «شورای‌عالی سیاسی یمن» را تشکیل دادند که بالاترین قدرت تصمیم‌گیری در این کشور